



کامبیز نوروزی

حقوق‌دان

وقتی کسی با بیماری مواجه می‌شود، اولین قدم درمان این است که خودش قبول کند بیمار است. گام دوم، رفتن نزد پزشک متخصص و حاذق است. در گام سوم، پزشک با معاینه و آزمایش باید بیماری را تشخیص دهد. گام چهارم، تعیین پروتکل‌های درمانی است و گام پنجم نیز آن است که بیمار آنچه را پزشک تجویز کرده است، به درستی انجام دهد. هرکدام از این مراحل که انجام نشوند، بیمار قادر به درمان و خلاصی نخواهد بود و عاقبتی جز تسلیم به بیماری و شاید تلف‌شدن نخواهد داشت. در کار مملکت‌داری هم همین مثال را می‌توان پیاده کرد. امروز ایران دچار چندین و چند مشکل و بحران مهم است که همچون بیماری مزمن و وخیم و پرخطر گریبان‌گیر شده‌اند. اگر در کشور حقوق به شکل یکدست و یکتواخت اجرا می‌شد، نیروی انسانی شایسته و متخصص بر سر کارها بود، تعارضات عمیق بر سر بنیادهای حکمرانی نبود و مسئله ملی بر مسائل حزبی و فرقه‌ای غلبه داشت، طی‌کردن باقی مراحل درمان کار سختی نبود. اما در وضعیتی که به جای حقوق، هر کس و هر جریان ساز خود را می‌نوازد، گروه‌های قدرتمندی وجود دارند که اصلا قبول ندارند بحرانی وجود دارد یا اگر بحرانی هم هست، خبر و برکت در آن است و کارشان چوب لای چرخ گذاشتن است. بحران‌ها عمیق‌تر و وخیم‌تر می‌شوند. مثلا همین الان کشور در مسائل بین‌المللی دچار مشکلات متعددی است. خطر بازگشت تحریم‌های سازمان ملل همراه با خطر درگیری نظامی با رژیم متجاوز اسرائیل بیخ گوش است. با این همه جریانی که به افراط و تدروی شهره است، نه‌تنها نمی‌خواهد از این مخاطرات گریزگامی پیدا شود، بلکه به استقبال آن نیز می‌رود. با پس از جنگ ۱۲روزه که با تجاوز رژیم اسرائیل رخ داد، همگان دیدند که چگونه ملت ایران در برابر این تجاوز ایستاد و بر حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور پای فشرده، اما باز هم کسانی در تریبون‌ها مردم را دسته دسته می‌کنند و با ایجاد فاصله بین حکومت و مردم بر دامنه بحران‌ها می‌افزایند. وضعیت اقتصاد کشور کمر مردم را خم کرده است. از تامین یک مسکن ساده تا تامین غذا و دارو و درمان و... به سخت‌ترین کارها بدل شده است. بحران آب و برق نه‌فقط زندگی عادی مردم، بلکه چرخ صنعت، کشاورزی و اقتصاد را هم لنگ کرده است. قیمت ارز و طلا مثل اسب چموش وحشی در حال افزایش مستمر است. این بیماری‌های ملی کی، کجا و چگونه باید درمان شوند؟ از عوارض وضعیت بی‌حقوقی این است که نه آدم‌ها و نه دستگاه‌ها سر جای خودشان قرار نداشته باشند. هر کس هم هر جا که باشد، کار خودش را می‌کند بدون آنکه توجه کند مردم یا سایر دستگاه‌ها چه می‌خواهند و چه می‌کنند. کار نظام حکمرانی مدیریت بر منابع است، اما در وضعیتی که معیارها و قواعد از کار می‌افتند، مناصب و سمت‌های مختلف که بی‌حساب‌و‌کتاب تقسیم شده‌اند، به موقعیتی برای تثبیت و توسعه قدرت بدل می‌شوند. به این ترتیب، مدیریت منابع به «تسلط بر منابع» تبدیل می‌شود. منابع قدرت، مانند پول و اطلاعات و... به جای آنکه در راه منافع ملی مصرف شوند، در جهت افزایش قدرت‌های سیاسی به کار گرفته می‌شوند. در چنین وضعیتی، بقای بحران‌ها منافع سرشاری برای این دسته خواهد داشت. درمان بیماری برای ایشان فقط ضرر است. مانند یک بیمار برداشت از دارایی او محروم می‌کند. وضعیت کنونی کشور به مرحله رسیده است که متولیان امور باید با قطعیت و قاطعیت به احیای نظم حقوقی کشور بیندیشند تا هر کس هر یک از چهارچرخ مملکت را به یک سو نرانند. کار آسانی نیست، اما ضرورتی فوری و حیاتی است. کشتی بی‌لنگر که مدام کُز و مژ می‌شود، راه به ساحل نمی‌برد. این کار را با افراد و تفکرانی که همان‌ها بنابین وضع موجودند، نمی‌توان انجام داد؛ تفکراتی تازه می‌خواهد. همه باید بپذیرند که کشور دچار ناترازی‌هاست، صاحبان تفکرات تازه را که کمتر به محافل تصمیم‌گیری راه دارند، به کار بگیرند، بگذارند صاحب‌نظران مستقل و جامعه مدنی و افکار عمومی در جریان اطلاعات دقیق قرار بگیرند، راه از آنها بچوبند و بالاخره با مشارکت آنها به آنچه درست است عمل کنند. نظام سیاسی احیای نظم حقوقی کشور و ازبین‌بردن کانون‌های قدرت غیرقانونی را در برنامه‌های فوری خود بگذار و بپذیرد که باید راه‌های تازه‌ای را بییماید؛ وگرنه بحران‌های مزمن حیات کشور را سخت در خطر خواهند انداخت. آیا سران قوا در جلسات خود می‌توانند بانی این ابتکار باشند؟

چهارشنبه ۲ مهر ۱۴۰۴
۱ ربیع‌الثانی ۱۴۴۷
۲۴ سپتامبر ۲۰۲۵
سال بیست و دوم
شماره ۵۲۱۱
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

در «شرق» امروز می‌خوانید: رقابت شانه به شانه یامال و دمبله؛ بوسه عثمان بر توپ طلا • لاریجانی: اگر پیشنهاد معقول ارائه شود، می‌پذیریم • وزیر کشور: ملت ایران با انسجام به هرگونه تجاوز با اقتدار پاسخ می‌دهد



با وجود فرارسیدن پاییز و آغاز سال آبی جدید، ذخایر آب سدهای پایتخت به وضعیت هشداردهنده رسید

تهران زیر فشار آب



«شرق» از مواضع جدید تهران و آژانس گزارش می‌دهد

فصل مشترک و زیاده‌خواهی غرب

گروسی: آژانس بازرسی‌ها را مستقل از تحریم‌ها ادامه می‌دهد

این گزارش را در صفحه ۳ بخوانید

مکانیسم ماشه؛ آزمون تاب‌آوری



محمد رضا یوسفی شیخ‌رباط

اقتصاددان و استاد دانشگاه مفید

در این روزها، بحث درباره اعمال احتمالی «اسنپ‌بک» و پیامدهای آن بر اقتصاد ایران، ندارند یا آنکه نمی‌توانند ظهور بحران را تشخیص دهند. عده‌ای دیگر هستند که بحران را درک می‌کنند ولی به آن بی‌توجه بوده و درصد حل آن بر نمی‌آیند. برخی «مکانیسم ماشه» است؛ همان تحریم‌های چندجانبه‌ای که پیش از توافق برجام علیه ایران آن نمی‌بایند و در نهایت برخی نیز بحران را قبول داشته و حتی راه‌حل آن را می‌دانند ولی آگاهانه یا از روی غفلت، واکنشی نشان نمی‌دهند. دایموند نحوه برخورد جوامع با بحران‌ها و اتخاذ تصمیمات ناصحیح در تقابل با بحران‌ها را عامل ناکامی و فروپاشی جوامع می‌داند.

کشور ایران سال‌هاست یا حتی دهه‌هاست با مشکلات و گرفتاری‌های متعددی مواجه بوده است. تغییرات اقلیمی کره زمین از چند دهه قبل نگرانی اندیشمندان جهانی را برانگیخته و از سال‌ها پیش هشدار وقوع کم‌آبی و خشک‌سالی از طرف کارشناسان بین‌المللی و داخلی درباره منطقه خاورمیانه و افراد به فلج اراده مبتلا شده‌اند؛ نه آری می‌توانند بگویند و نه قادرند نه بگویند. تصمیم‌گیری برای برخی افراد بسیار دشوار و دردناک است. آنها نه‌تنها از عواقب تصمیمات خود می‌ترسند، حتی نگران‌اند هر تصمیمی که می‌گیرند، باعث دلخوری تعدادی از دوستان و اطرافیان شود و سبب ناراضیاتی دیگران را فراهم آورد، بنابراین دچار استیصال در تصمیم‌گیری هستند. آنها همیشه دچار تعلل در تصمیم‌گیری بوده و جلوی دروازه تصمیم‌گیری قدم می‌زنند. شاید گمان می‌برد که بهترین راه آن است که تعلل کنند تا عامل بیرونی به جای آنها تصمیم بگیرد یا حاضرند اختیار در تصمیم‌گیری را به فردی دیگر تفویض کنند تا از رنج تصمیم‌گیری رهایی یابند. در این صورت می‌پذیرد که به تصمیم‌گیری تن ندهند و از آزادی تصمیم‌گیری خود صرف‌نظر کنند، آن‌گاه در صورت غلط‌بودن تصمیمات، می‌توانند خود را تبرئه کنند و عواقب منفی احتمالی تصمیمات نادرست را گردن دیگران بیندازند.

حال مدیری را در نظر بگیرید که در شرایط بحرانی گرفتار شده است؛ مثلا رکود شدیدی بازار را فراگرفته و مدیر مربوطه باید تصمیمی متناسب با این وضعیت اتخاذ کند. شخص مدیر می‌تواند چنین استدلال کند که بحران فوق موقتی بوده و به‌زودی رکود پایان خواهد یافت یا برعکس رکود عمیق و طولانی است و چاره‌ای جز کاهش تولید و تعدیل نیروی انسانی وجود ندارد. البته حالت دیگری را نیز می‌توان متصور شد که در آن حالت مدیر مربوطه اصلا وجود رکود و شرایط بحرانی را قبول نداشته باشد. جرد دایموند در کتاب

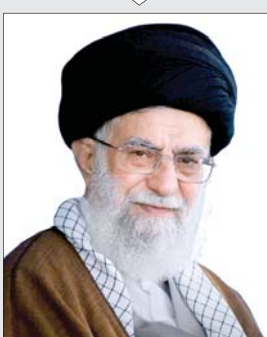
«فروپاشی» متذکر می‌شود که وقتی بحران بروز می‌کند، گروهی وقوع بحران را به‌هیچ‌عنوان قبول ندارند یا آنکه نمی‌توانند ظهور بحران را تشخیص دهند. عده‌ای دیگر هستند که بحران را درک می‌کنند ولی به آن بی‌توجه بوده و درصد حل آن بر نمی‌آیند. برخی «مکانیسم ماشه» است؛ همان تحریم‌های چندجانبه‌ای که پیش از توافق برجام علیه ایران آن نمی‌بایند و در نهایت برخی نیز بحران را قبول داشته و حتی راه‌حل آن را می‌دانند ولی آگاهانه یا از روی غفلت، واکنشی نشان نمی‌دهند. دایموند نحوه برخورد جوامع با بحران‌ها و اتخاذ تصمیمات ناصحیح در تقابل با بحران‌ها را عامل ناکامی و فروپاشی جوامع می‌داند.

کشور ایران سال‌هاست یا حتی دهه‌هاست با مشکلات و گرفتاری‌های متعددی مواجه بوده است. تغییرات اقلیمی کره زمین از چند دهه قبل نگرانی اندیشمندان جهانی را برانگیخته و از سال‌ها پیش هشدار وقوع کم‌آبی و خشک‌سالی از طرف کارشناسان بین‌المللی و داخلی درباره منطقه خاورمیانه و افراد به فلج اراده مبتلا شده‌اند؛ نه آری می‌توانند بگویند و نه قادرند نه بگویند. تصمیم‌گیری برای برخی افراد بسیار دشوار و دردناک است. آنها نه‌تنها از عواقب تصمیمات خود می‌ترسند، حتی نگران‌اند هر تصمیمی که می‌گیرند، باعث دلخوری تعدادی از دوستان و اطرافیان شود و سبب ناراضیاتی دیگران را فراهم آورد، بنابراین دچار استیصال در تصمیم‌گیری هستند. آنها همیشه دچار تعلل در تصمیم‌گیری بوده و جلوی دروازه تصمیم‌گیری قدم می‌زنند. شاید گمان می‌برد که بهترین راه آن است که تعلل کنند تا عامل بیرونی به جای آنها تصمیم بگیرد یا حاضرند اختیار در تصمیم‌گیری را به فردی دیگر تفویض کنند تا از رنج تصمیم‌گیری رهایی یابند. در این صورت می‌پذیرد که به تصمیم‌گیری تن ندهند و از آزادی تصمیم‌گیری خود صرف‌نظر کنند، آن‌گاه در صورت غلط‌بودن تصمیمات، می‌توانند خود را تبرئه کنند و عواقب منفی احتمالی تصمیمات نادرست را گردن دیگران بیندازند.

حال مدیری را در نظر بگیرید که در شرایط بحرانی گرفتار شده است؛ مثلا رکود شدیدی بازار را فراگرفته و مدیر مربوطه باید تصمیمی متناسب با این وضعیت اتخاذ کند. شخص مدیر می‌تواند چنین استدلال کند که بحران فوق موقتی بوده و به‌زودی رکود پایان خواهد یافت یا برعکس رکود عمیق و طولانی است و چاره‌ای جز کاهش تولید و تعدیل نیروی انسانی وجود ندارد. البته حالت دیگری را نیز می‌توان متصور شد که در آن حالت مدیر مربوطه اصلا وجود رکود و شرایط بحرانی را قبول نداشته باشد. جرد دایموند در کتاب

رهبرانقلاب:

اتحاد ملت ایران در جنگ دوازده‌روزه دشمن را ناامید کرد



برگزیده‌ها

«شرق» از سفر رئیس‌جمهوری به نیویورک و مسیر دشوار پیش‌رو در آستانه بازگشت تحریم‌ها گزارش می‌دهد

گره نیویورک

به رسمیت شناختن دوکشوری، رنج فلسطینی‌ها را کم نمی‌کند

قیل وقال پارسی‌ها در نیویورک

به مناسبت نخستین سالمرگ فردریک جیمسون

حداعلای

مارکسیسم غربی

«شرق» احتمال حذف یکی از رشته‌های مرتبط با زنان را بررسی کرد

زمزمه‌های انحلال گروه

مطالعات زنان دانشگاه الزهرا

شاهکار شاگردان پیاتزا مقابل صریستان

در والیبال قهرمانی جهان

صعود بزرگ با پیروزی دراماتیک

نگاه

آواز در خدمت خرد

یادداشتی از مجتبی‌عابدیور

یادداشت

شورای عالی ایرانیان

از تجربه نیمه‌کاره گذشته تا ضرورت هم‌گرایی سه قوه



حسن ارکی*

تصویب اخیر دولت دکتر مسعود پزشکیان مبنی بر تشکیل «شورای عالی ایرانیان» را باید اقدامی ارز‌شمند و نقطه عطفی در مسیر توجه به ظرفیت‌های عظیم ایرانیان خارج از کشور دانست. باین‌حال، تجربه گذشته نشان می‌دهد که صرف تشکیل یک نهاد محدود و فاقد پشتوانه قانونی کافی، نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیازها و دغدغه‌های میلیون‌ها ایرانی مقیم خارج از کشور باشد. پیش‌تر نیز موضوع ایرانیان خارج از کشور ذیل نهاد ریاست‌جمهوری دنبال می‌شد، اما به علت عدم حضور مؤثر هر سه قوه و وجود خلاهای قانونی و اجرایی، این ساختار نتوانست خدماتی جامع و کارآمد ارائه کند.



رئیس‌جمهور امروز در سازمان ملل سخنرانی می‌کند

ایران با صدای واحد